



گونه شناسی بناهای آرامگاهی معماری ایران دوران اسلامی

*محمد حسین عابدی^۱، حسن ابراهیمی^۲

۱- دانشجوی دوره دکتری معماری واحد علوم تحقیقات، تهران، abedi.mohammadhosein@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد، واحد آزاد شهر، hassanebrahimi27@yahoo.com

چکیده

معماری آرامگاهی یکی از مهم ترین تجلیات هنر معماری ایرانی و اسلامی است و شایسته تاکید است که پیش از ظهور اسلام در ایران بنای آرامگاهی مستقلی (به استثناء آرامگاه کورش) وجود ندارد می توان دریافت که این چنین بناها ریشه در بینش و فرهنگ جامعه ایرانی و اسلامی دارد. پس با این وجود آیا می توان پنداشت که سر مشق و منشاء گونه های بناهای آرامگاهی ریشه در معماری پیش از ظهور اسلام در ایران دارد؟ سپس به نظر می رسد سر مشق و منشاء گونه های بناهای آرامگاهی متأثر از نفوذ آثار بناهای خارج از ایران است. مطالعه و بررسی گونه های بناهای آرامگاهی می تواند در جهت اعتلای هنر ایرانی و اسلامی موثر واقع شود و به طراحان و معماران امروزی جهت مناسبی دهد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه و با مراجعه به اسناد و مراجع مرتبط به گونه شناسی بناهای آرامگاهی دوران اسلامی در ایران می پردازد. یافته های پژوهش بر آن است که بناهای آرامگاهی به دو گونه اساسی، بنای برج آرامگاهی و چهارگوش گنبد پوش عرضه می شود.

واژگان کلیدی: هنر، بناهای آرامگاهی، معماری، ظهور اسلام

مقدمه

بی تردید آرامگاه، پس از مساجد، متداول ترین بناهای عمومی در معماری اسلامی ایران است. این نوع بنا در بافت و فرهنگ جامعه ایرانی ریشه گرفته و کمتر شهری است که سهمیه ای از این چنین بناهایی نداشته باشد. (هیلن براند، ۱۳۹۱: ۲۷۳). با بررسی و مطالعه سیر تاریخی و فرهنگی آن، اطلاعات بسیاری پیرامون تحولات معماری بدست خواهد آمد. طبیعی است توجه جوامع انسانی به معماری اینگونه بناها معلول دو علت بوده است. عامل معنوی، مذهبی و دیگری عامل اجتماعی، که در دوره های متأخر بیشتر جنبه ارج نهادن و احترام مورد توجه واقع شده است.

در پژوهش حاضر ابتدا زمینه های بوجود آمدن معماری آرامگاهی در ایران و سپس عناصر مرتبط و موثر بر گونه های معماری آرامگاهی در ایران و در آخر بررسی انواع اصلی بناهای آرامگاهی در ایران و مطالعه موردی آثار آرامگاهی مورد بررسی قرار می گیرد.

بیان و ضرورت مسئله

با توجه به رسوم تدفین پیش از ظهور اسلام در ایران (آیین زرتشت) معماری تدفینی مستقلی به استثناء آرامگاه کورش وجود نداشت با ورود اسلام به ایران و تغییر سنت تدفین، معماری آرامگاهی مورد توجه قرار گرفت این در حالی بود که اسلام بنیادی از هر گونه یادگاری رسمی برای مردگان روگردان بود. پیامبر اسلام (ص) سفارش کرده بود که گورها هم سطح زمین باشند. سادگی که پیامبر توصیه می کرد هم از طرف اعراب و ایرانیان رعایت نشد. به گونه های مختلف منع اصلی رفع شد. و به زودی بناهای آرامگاهی به گونه های مختلفی در جای جای این سرزمین سر بر آوردند (هیلن براند ۱۳۹۰: ۵۸، ۵۹). در اهمیت معماری آرامگاهی همین بس که بخش قابل توجهی از بقایای معماری قدیم را شامل می شود. آدولف - لوس در این رابطه می گوید: معماری چیزی نیست جز یادمان ها و مقابر که بیانگر تاریخ و قدمت قوم و ملت است.

هدف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش بررسی گونه های معماری آرامگاهی در ایران دوران اسلامی با در نظر داشتن عناصر مرتبط و موثر بر آن می باشد.

سوال تحقیق

آیا می توان پنداشت که سر مشق و منشاء گونه های بناهای آرامگاهی ریشه در معماری پیش از ظهور اسلام در ایران دارد.

فرضیه تحقیق

به نظر می رسد که سر مشق و منشاء گونه های بناهای آرامگاهی متأثر از نفوذ آثار بناهای خارج از ایران است.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی است و سعی بر آن دارد تا گونه های موجود بناهای آرامگاهی در ایران را با مطالعات کتابخانه ای و با مراجعه به اسناد و مدارک مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه تحقیق

کتاب و نوشته های تاریخی- توصیفی مستشرقین و مورخین در خصوص اماکن تاریخی ایران از جمله آرامگاه ها که در آن توضیحاتی وجود دارد. از این میان افرادی مانند آرتور آپهام پوپ، ریچارد اتینگهاوزن، الگ گرابر، شیلا بلر، جانانان بلوم، دونالد ویلبر می توان اشاره نمود.

از مهم ترین کتاب های مورد استفاده در قرن اخیر که نوشته متخصصین غیر ایرانی است. که در خصوص معماری اسلامی، جهان اسلام است به کتاب معماری اسلامی (شکل، کارکرد، معنی) از روبرت هیلن براند که به طور کامل به تعریف مفاهیم، بررسی آثار، روند شکل گیری و... بناهای آرامگاهی می پردازد.

از جمله نویسندگان و متخصصین داخل ایران می توان از کریم پیرنیا یاد نمود که آثار آرامگاهی بسیاری را در ایران مورد بررسی و کنکاش قرار داده اند.

ضمن آنکه پژوهش هایی در قالب مقاله همچون پژوهشی تحت ریخت شناسی معماری آرامگاهی مازندران (از سده ۴ تا ۹ ق) که با مطالعه بر روی بناهای آرامگاهی سده ۴ تا اواخر سده ۸ ق مازندران از نظر نوع سازه، نقشه و گنبد انجام گرفته، تمامی اشکال در سده یاد شده در سده ۹ ق نیز با تفاوت هایی متداول و رایج بوده است. این طرح متنوع عبارتند از: مقابر با طرح مدور و پوشش بام مخروطی و هرمی شکل؛ طرح چند ضلعی (اغلب ۸ ضلعی) گنبد مخروطی و هرمی یا منشوری، با این همه، به نظر می رسد معماری آرامگاهی مازندران در سده ۹ ق، تحت تاثیر سنت های معماری به جای مانده از عهد ساسانی به ویژه چهار طاقی آتشکده و معماری آرامگاهی دوره آل زیار و هنگام تسلط آنان بر طبرستان بوده باشد (جوادی نیستانی، ۱۳۸۵).^۶ در پژوهشی دیگر تحت عنوان نقش و جایگاه مقابر برجی مازندران غربی در معماری اسلامی او به این نتیجه رسیده است که مقابر مذهبی گیلان از اطلاق چهار گوش یا مستطیلی تشکیل شده است. این بناها تحت تاثیر طرح و نمای بناهای مذهبی شرق مازندران است که اغلب متأثر از برج های مدور یا چند ضلعی است (حسن هاشمی زرج آباد ۱۳۸۶).^۷ در پژوهشی تحت عنوان معرفی سبک مقبره سازی متصوفه آذربایجان نگارنده به این نتیجه رسیده طی دوره ایلخانی در سرزمین آذربایجان و بطور خاص در منطقه اردبیل سبک ویژه و مستقلی از معماری تدفینی بصورت مقابر برجی شکل تکوین یافته است که علیرغم تشابهات ساختاری با مقابر هم دوره منطقه و کل ایران، دارای برخی خصوصیات ویژه نیز می باشد (سید هاشم حسینی ۱۳۸۹).^۸

زمینه های شکل گیری معماری آرامگاهی در ایران

در روزگار پیش از اسلام، هیچ نوع نشانه مهمی از آثار آرامگاهی که مستقل بنا شده باشد، وجود ندارد گور باشکوه کورش در پاسارگاد استثنایی است. بدین طریق، هنگامی که اسلام به ایران آمد هیچ سنت آرامگاهی وجود نداشت تا الهام بخش میل مسلمانان برای احداث چنین بناهایی باشد. نه تنها فقدان فیزیکی این نمونه های ساده معماری سد راه توسعه ساختمان های آرامگاهی می شد. بلکه اسلام بنیادی دقیقا از هر گونه یادگاری رسمی برای مردگان روگردان بود. پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، خود سفارش کرده بود که گور ها هم سطح زمین باشند، سادگی ای که پیامبر به مومنان توصیه می کردند، هم طرف اعراب و هم از جانب ایرانیان رعایت نشد (هیلن براند ۱۳۹۰: ۵۸، ۵۹).^۱ آرامگاه که عملی کاملا شیعه وار است، از سنت دیرپای اسلامی که طبق آن مکانی می توانست به عنوان مسجد مورد استفاده قرار گیرد (هیلن براند ۱۳۹۰: ۶۰).^۱ این راه رسم تا حدی با اشاعه اسلام در مورد جهاد ارتباط دارد. در ایران

فعالترین مرز با جهان کفر، بدون چون و چرا در شمال شرقی در طول آسیای مرکزی قرار داشت. دقیقا در همین جا، بیشترین آرامگاه های ایرانی یافت می شود (هیلن براند ۱۳۹۰: ۶۲).^۱

سلسله ها و نهضت‌های شیعی برای زیارت مقابر و آرامگاه های اعقاب علی (ع) اهمیت زیادی قائل بودند و همیشه تلاش می کردند که اماکن مقدسه سنتی و کهن ایرانی را اسلامی کنند (ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابر، ۱۳۹۱: ۳۰۱).^۲ رشد آنها می بایست به سبب دو ویژگی مهم مذهبی دانست: یکی رستگاری شخصی از طریق شفاعت یک نفر قدیس و یا یک واقعه مقدس؛ و دیگری تلاش صنوف و سازمان های تصوف برای بستن خود به یکی از اولیاءالله. در بعضی از شهرها آرامگاه ها مکانی برای تمرکز روحی و تجمع های انسانی شد که از نقاط دور دست برای مجاورت با اولیاءالله می آمدند. ضمناً توسعه نظم و نظام زمینداری سرکردگان نظامی ضرورت یادبود ثروت و عظمت و یا استقرار سلطنت و مقابر شخصی را پیش کشید (ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابر، ۱۳۹۱: ۳۸۲).^۲

آرامگاه سازی در ایران را نمی توان دقیقاً شناخت و ارائه نمود (غروی: ۱۳۷۶: ۹۹).^۴ از سده سوم هجری هیچ نوع بنای آرامگاهی در ایران، که بتوان تاریخ معینی را بر آن نسبت داد، باقی نمانده است به عقیده برخی پژوهش گران، آرامگاه های مطهر امام رضا (ع)، حضرت معصومه (س)، حضرت عبدالعظیم (ع). و آرامگاه آستانه اشرفیه (گیلان) نخستین آرامگاه های ایرانی را ارائه می نمایند، شاید بتوان تدفین هارون الرشید در خراسان را جزء نمونه های آغازین سنت آرامگاه سازی در ایران قلمداد نمود و زیر بنای کوچکی برای تکوین بنای آرامگاه امام رضا (ع) به شمار آورد، لیکن بیشتر محققان آرامگاه ایمر سامانی را در بخارا را نخستین بنای واقعی آرامگاهی در گسترده فرهنگ ایرانی به شمار می آورند (غروی: ۱۳۷۶: ۱۰۷).^۴ برخی از محققان، نخستین آرامگاه اسلامی را قبه الصلیبه، آرامگاه مادر خلیفه المنتصر عباسی در سامرا منتسب به نیمه دوم قرن دوم هجری معرفی می کنند (هیلن براند: ۱۳۸۷: ۲۵۴).^۱

نقش حکومت ها در ساخت بناهای آرامگاهی

برنارد اوکین به رقابتی که برای ساخت مقابر در بین امیران دوره تیموری وجود داشته است، اشاره کرده است (اوکین: ۱۳۸۶: ۴۰۲).^۵ آرامگاه های دوران صفوی و روزگار پس از آن - بعد از معماری آرامگاهی دوره قرون میانی - سیر قهقراپی پیموده، در این هنگام مقابر غیر مذهبی به طور قطع جای خود را به قبور مقدسین دادند (هیلن براند: ۱۳۹۰: ۷۷).^۱

عناصر موثر بر معماری آرامگاهی در ایران

روشهای تدفین در ایران نمی تواند جدا از بقیه جهان اسلامی مورد مطالعه قرار گیرد. مراجع ادبی محقق می سازند که مقابر از سده دوم هجری به این سو به طور وسیعی در سراسر دارالاسلام ساخته می شدند. از این رو احتمال دارد مسلمانان ایرانی این فکر را از هم کیشان در مصر و سوریه یا عراق اخذ کرده باشند. و نقض تدریجی سنت نبوی به تدریج در ایران انعکاس یافته باشد (هیلن براند: ۱۳۹۱: ۲۷۳).^۱

دو نظریه درباره آیین پرستش آرامگاه وجود دارد. این دو نظریه بر آن است که به جای نفوذهایی که از درون خود اسلام، مانند امر جهاد جوشیده، نفوذ خارجی در ایجاد مقبولت عام آرامگاه ها نقشی سازنده داشته است. یکی از این نظریه ها نقش نفوذهایی را از سوی غرب مطرح می کند؛ مثلاً تاثیر از آرامگاه های رومی، یعنی برج های مقبره ای پالمیری یا شهدای اولیه مسیحی باشد. ناحیه خاور نزدیک واقع در غرب رودخانه فرات تاکنون شاهد تعداد نسبتاً بسیاری از این نسخ بناهاست که در شکل و هدف قرابت آشکاری با آرامگاه های ایرانی دارند. قبه الصخره یادآوری از این حقیقت است و شاهدهی بر تاثیر چنین معماری در جهان اسلام است (هیلن براند: ۱۳۹۱: ۲۷۳).^۱

فرضیه دیگر، تاثیرات اساسی آثاری از دشت های هموار واقع در شمال و شرق آسیای مرکزی را به میان می آورد. با این حساب که مردم ترک نژاد بیابان گرد اندیشه آرامگاه را به سرزمین ایران آورده اند و نزدیکی جغرافیای آنان به ناحیه ای که نخستین آرامگاه های اسلامی ایران یافت می شود، دلیلی قوی برای اثبات این اندیشه است. در روزگار پیش از اسلام، مردم ساکن بیابان های مرکزی رومی تدفینی کاملاً پیچیده ای را معمول می داشتند که پاره ای از آنان در زمان های معاصر به جای مانده است. حفاری های

مجموعه بناهای واقع در تاجیسکن در آسیای مرکز که تاریخ آن به سده سوم پیش از میلاد می رسد، مطرح می کند که گور های آن زمان شکل یورت های را داشته که از مواد پر دوام ساخته می شد و آنها را با دیوارهایی مدور احاطه می کردند یا بر روی پایه های بلندی می گذاشتند. مدارک کتبی بردو مرحله وزاراری تاکید دارد: بدین طریق که جسد را در یک چادر تدفینی در معرض دید همگان قرار می دادند که دسته عزاداران به دور آنان می گردند و سپس مرده را در تپه ای به نام کورگان به خاک می سپردند. حتی تزیین چادرهای عشایری به طرز شگفت آوری شباهت های نزدیکی با بعضی از آرامگاه های اسلامی - ایرانی دارند. ارتفاع خارجی چنین برجی های نیز شباهت معماری آشکاری با چادرهای شاهانه باشکوه - که سیاحان غربی چون کارپی نی و روبروکی غیر از منابع اسلامی و چینی به توصیف آنها پرداخته اند - دارد. بنابراین اقلا امکان دارد که شکل های چنین چادرهایی بر روی آرامگاه های اولیه ایرانی تاثیر گذاشته باشد. با جود این، هنوز جای بحث باقی است، چون قدیمی ترین برج های مقبره ای باقیمانده عموماً توسط شاهزادگان ایرانی ساخته شدند تا ترک و مربوط به پیش از دوره از دوره سلجوقی است (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۷۳ و ۲۷۴)!

صرفنظر از این موضوع که این اندیشه چگونه به ایران رسیده، تردیدی نیست که در این دیار رونق بسزایی یافته است. در سده های دهم و یازدهم میلادی، یعنی روزگاری که در آن معماری آرامگاهی نخستین شکوفایی را به خود دید، تنها ناحیه ای که در آن تعداد آرامگاه ها قابل مقایسه با ایران بود مصر، در دوره خلافت فاطمیان، است. در منطقه اخیر تطابق بین آیین تشیع و بناهای تدفینی را می توان ملاحظه نمود. توضیح احتمالی جهت این تباین این است که ایران تحت نفوذ و تاثیرات فراوانتری قرار گرفته بود. بدین طریق در مصر فاطمی عناصری چون آیین زردتشت و نژاد ترک که موجب توسعه آرامگاه های ایران شد، وجود نداشت اکنون به آسانی می توان این عوامل را مورد بحث قرار داد (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۷۴)!

عناصر زردتشتی

شکل مقبره معروف سامانی در بخارا، به تاریخ ۹۴۳ م / ۳۳۱ ه در واقع، شکل غنی شده آتشکده ایرانی (چهارطاقی) از دوره ساسانیان است. گنبد علی ابرقو به تاریخ ۱۰۵۶ م / ۴۴۸ ه واقع در نقطه ای دور از منطقه مسکونی، در فضایی باز و بر لبه پرتگاه، به ناچار تداعی کننده دخمه زرتشتیان یا برج خاموشی است. گنبد قابوس (به تاریخ ۱۰۰۶ م / ۳۹۸)، به درستی ردیف شکوهمند برج های مقبره ای ایران را می گشاید و بار دیگر یک چنین پیوندهای زرتشتی را - هر چند در شکلی نو و تغییر ماهیت یافته - به طور انکار پذیری عرضه می دارد. آنها به استفاده تقویم یزگردی در کنار تقویم اسلامی در کتیبه ای که تاریخ احداث بنا را ذکر می کند بار دیگر رو می آورند - و مهم تر از آن - نحوه قرار دادن جسد است. به گفته جنابی، جسد در تابوتی شیشه ای از سقف آویزان بود، و سر آن بسوی تنها روزنه ای قرار داده شده بود که رو به طلوع خورشید باشد اگرز این گزارش پذیرفته شود، پرهیز از به خاک سپردن نمی تواند یادآور دستورات زرتشتی نباشد. تلاش بر این است که به همین طریق انتخاب فراز تپه ای دور افتاده ای را به این آرامگاه های نخستین - نظیر گنبد علی در ابرقو، یا مقبره سامانی - به عنوان اشاراتی به دخمه زرتشتی تعبیر و تفسیر می شود. نمونه مشابهی برای این بناهای تدفینی انتقالی از این دوره اولیه در سیراف بر ساحل خلیج فارس یافت شده است. در صخره های سیراف مقابر کنده شده ای وجود دارد که به جا ایفا کردن نقش استودان، اجساد در آنها نگهداری می شود و بدین ترتیب می تواند متعلق به بستری از تلفیق عقاید مختلف در مذهب باشد (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۷۴ و ۲۷۵)!

عناصر ترکی

عناصر ترکی تاثیر خود را کمی بعد نشان می دهد، برای مثال مقبره خرقان که مربوط به به تاریخ ۱۰۶۷ م / ۴۶۰ ه است. در این مورد حتی یک روستا در نزدیکی آن وجود ندارد و انتخاب این مکان، در دشتی هموار و باز، منعکس کننده مقبولیت خرقان چراگاه

صحرائشینان. به نظر می رسد که خود ساختار این مقابر نمایانگر ویژگی های آشنا در مصالح فنا پذیر به کار رفته در چادرها است که با آجر بازسازی شده اند: سبذبافته، طرح های سبذی، و قیده های (تویزه) برای شکل دادن اسکلت چوبی بام نمیدین. برج رادکان شرقی، به تاریخ ۱۲۰۶م / ۶۰۲ ه که در برابر پس زمینه های بی انتهای گشاده بیرون شهر قرار دارد، نمونه صریح تری از ترجمانی از آجر در ارائه یک چادر شاهانه ترکی با بام مخروطی شکل آن است، طارمی های تخت بالاتر از کف زمین بسته های چوبی در فواصل منظم قرار داده می شود تا اسکلت تمام ساختمان را بوجود آورد. حتی بافته دیوارهای خارجی یک یورت در کارهای آجری تزئینی تکرار شد سردابه (دخمه) با اتاق بالای آن بسیاری از چنین مقابری، به طور متقاعد کننده ای به مفهوم ترجمان رسم موجود در میان چادر نشینان ترک نا مسلمان، به واژگان معمارانه برگردانده شده است. در هنگام مرگ خان و فرد مشهور قبیله نخست به مدت کوتاهی در چادرش در معرض دید عموم گذاشته می شد و سپس آن را دفن می کردند یا به طریق دیگری آن را از بین می بردند. برج های آرامگاهی نظیر رادکان شرقی می تواند به عنوان ترکیب این دو مرحله مشخص تدفین در یک بنای تنها تعبیر شود از سده سیزدهم میلادی به بعد دوباره رسم چادر نشینی دیگری که این بار از اصل مغول بود در ایران زمین راه یافت. این رسم بر سری نگهداشتن مدفن پیشوای مهم و قرق کردن حوالی مذکور بود. نمونه این رسم، مدفن ایلخان مغول هولاکو است که در جزیره شاهی در دریاچه ارومیه قرار دارد (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۷۵).

گونه های اساسی بناهای آرامگاهی در ایران

در طول تاریخ فقط دو نوع اساسی معماری آرامگاهی در ایران وجود دارد. عبارتند از، مقبره برجی شکل و قبر چهار گوش گنبد دار (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۸۲).

ظاهراً روشن است که آرامگاه های نخستین واقع در سرزمین ایران چهار ضلعی گنبددار بودند، لیکن در طی اواخر قرن دهم محبوبیت برج های مقبره ای بر آنها غلبه یافت؛ این همان شکلی است که در دوره سلجوقیان برتری دارد (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۷۹). دو نوع آرامگاه در ایران باقی مانده و یکی که در سرتاسر سرزمین ایران پراکنده شده، مقبره قبه ای همراه با مکعب گنبدی است، که از چهار جانب باز است، نظیر نخستین بناها در نجف و کربلا که بر روی مزار امام علی (ع) و اعقابش ایجاد شده است (ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابر، ۱۳۹۱: ۳۰۱).

آرامگاه ها در ایران به صورت برج و یا بناهای مربع شکل بودند که قبه های بر روی سکنج ها داشتند (ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابر، ۱۳۹۱: ۳۸۱).

باید پذیرفت که یک یا دو نوع که به هیچ وجه در هیچ یک از دو دسته نمی گنجد که به طور وسیع مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته است. یک نمونه حضیره یا مجتمع آرامگاهی است که از جمله آنها زیارتگاه گازرگاه (مورخ حدود ۱۴۲۵م / ۸۲۹ه) نزدیک شهر هرات است. خوشبختانه چنین استثناها را بدون اینکه به دقت شرح حاضر خدشه وارد سازد می توان حذف کرد. مساله مهم تر در نظر اول به فضای هشت ضلعی گنبد دار پیش می آید که البته نوعی بسیار متداول است. در هر صورت این مسئله ممکن است متناقض به نظر آید، می توان این نوع را یکی از انواع فضای چهار گوش گنبددار به حساب آورد. سرگذشت کوتاه منشاء چهار گوش گنبددار که جدا از آرامگاه های برج مانند است این موضوع را روشن خواهد ساخت (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۷۹ و ۲۸۰).

برج مقبره

نوع عمده دیگر آرامگاه، برج های مقبره ای است و اصل و ریشه این نوع بنا در پرده ابهام و مستور است. هر چند احتمالات زیادی ممکن است مورد بررسی قرار می گیرد: چادرهای ترکی، برج های دیده بانی چینی و مقابر برجی شکل پالمیری از جمله آنهاست. در حال، دلایل متقاعد کننده ای در مقابل هر یک از این الگو های مفروض ردیف کرد. و با مقدار کمی علم و اطلاعی که از این باره

در حال حاضر در دست است، بهتر است که به عدم اطلاع معترف بود. این جریان مخصوصا با توجه به شکل بسیار ساده ای که اغلب نمونه های اولیه این نوع به خود گرفته، موجه به نظر می رسد: یک استوانه بلند با بامی مخلوطی شکل؛ مانند آنچه در مورد طرح گنبددار چهار گوش اتفاق افتاده است. چندی نگذشته که این دستور العمل ابتدایی تکامل یافت. سریعا برج های آرامگاهی با پره و ستون های جسمی و پشتبند های گوشه ای ساخته شد، در حالی که استوانه جای خود را به مقابر هشت ضلعی، شش ضلعی، ده و دوازده ضلعی و اقسام بناهای مرتفع ستاره ای شکل داد (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۸۰).^۱

این برج ها طی هفتصد سال ساخته شده اند و دارای ابعاد بزرگ و تزئینات متفاوتی می باشد. و تقریبا در تمام ایران پراکنده شده اند. اکثر این برج ها گرد هستند و با برج پیر علمدار (۱۰۲۱) در دامغان و برج لاجیم (۱۰۲۲) در مازندران آغاز می شود (آرتور آپهام پوپ ۱۳۸۸: ۸۴).^۲

شاید دیرپاترین این اشکال مورد پسند عام، انواع هشت ضلعی بوده است که این سوال را پیش می آورد که چگونه می توان یک برج مقبره ای هشت گوش را از هشت ضلعی گنبددار تشخیص داد، در حالی که در هر دو بخش های مشابهی قرار دارد. وضع هشت ضلعی برای تعیین تفاوت های اساسی آنها متناسب تر است. طرح همکف برج های مقبره ای هر چه باشد، مهمترین وجه مشخصه آن تاکید است که بر ارتفاع آن رفته و با محدودیت و فشردگی نسبی فضای داخله آن این ارتفاع نمود بیشتری پیدا می کند. نتیجه این امر اختلاف میان عرض و ارتفاع آن است که معمولا نسبت آن به ۳/۵-۱:۵/۵ است. بدین طریق بزرگترین آرامگاه مربع گنبد دار سلجوقی، یعنی مقبره سلطان سنجر در مرو (که تاریخ آن مربوط به بعد از سال ۱۱۵۷ م می رسد) نسبت عرض آن به ارتفاع ۱:۲ است. در صورتی که نزدیکترین بنایی که به آن برابری می کند، در روزگار ایلخانیان، قبر اولجایتو در سلطانیه است که یک هشت ضلعی گنبددار به بلندای ۵۳ متر است. با وجود این، تناسب میان عرض و ارتفاع آن فقط ۱:۲/۲ می شود. این دو رقم گویای سرگذشت خود هستند. ظاهرا در وهله اول منظور از نوع بنا، شاخص خارجی گور است، از این رو فضای داخلی آن مورد غفلت قرار گرفته است. بنای دیگر در درجه نخست فضای داخلی است، فضایی که بتوان از آن مرتبا استفاده کرد، لذا صورت خارجی آن دارای اهمیت کمتری است. این موضوع قابل انکار نیست که در مورد هر یک از وضع های مفروض امکان داشت یکی از بنیان بخوبی شکل برج مقبره ای را برگزیند که ممکن بود که چهار ضلعی گنبددار را انتخاب کند، ولی منظور و هدفی که انگیزه آن بوده است اشتباه شدنی نیست. همان گونه که نسبت میان عرض و ارتفاع بناها، آنها را با هم برابر می سازد، به همان اندازه این احتمال افزایش می یابد که بنای مورد بحث در درجه اول به منظور مذهبی در نظر گرفته شده نه به علت امور دنیوی (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۸۱).^۱



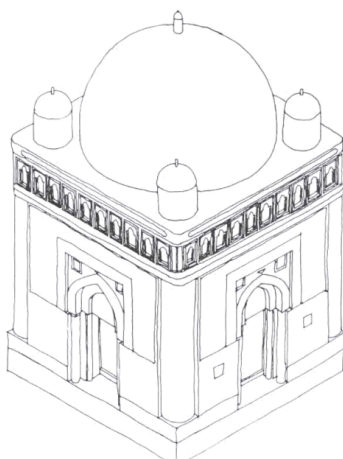
شکل ۱- گنبد قابوس، مقبره قابوس بن وشمگیر، ماخذ: (از کتاب «معماری اسلامی» تالیف روبرت هیلن براند)

گنبد قابوس

گنبد قابوس قدیمی ترین و باشکوه ترین برج در میان پنجاه برج باستانی است (آرتور آپهام پوپ ۱۳۸۸: ۸۴).^۳ تماشاترین آنها گنبد قابوس است که قابوس بن وشمگیر شاهزاده زیاری است که آن را در سال ۳۸۵-۳۸۶ ه.ق/۱۰۰۶-۱۰۰۷ م. در نزدیکی گرگان، جنوب شرقی دریای مازندران، بنا کرد. درون این برج مدور است و بیرون به گونه یک ستاره ده پر بر روی یک سطح دست ساخت و با ارتفاع ۵۱ متر قرار گرفته و بر چشم انداز بیرون خود مسلط است. در این بنا نشانی از مقبره دیده نمی شود و یکی از مورخان محلی گزارش کرده که تابوتی، آن هم بی هدف، در درون آن قرار داشت. یک دستس خطوط و اشکال عالی آجری این بنا شاخصتر از بنای آرامگاه سامانی در بخار است. دو کتیبه و یک حاشیه تزئینی کوچک در زیر سقف تنها خصوصیات هستند که توده حجیم آجرها را منقطع کرده است. بر این ساختمان جنبه زیبا شناختی کاملاً متفاوتی حاکم است. منشا گنبد قابوس روشنتر از بناهای بخارا نیست. از آنجا که این بنا به دست یکی از اعضا خانواده زردتشتی نو مسلمان ساخته شده بود و هنوز پیوندهایی با سنت های پیش از اسلامی داشت (این مساله را می توان از بهره گیری تقویم قمری و شمسی کتیبه آن دریافت) می توان به طور آزمایشی منشا آن را در بعضی از آثار یادبودی مزدایی و یا دگرسانی خیمه و چادر به یک بنای معماری پیگیری کرد (ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابر، ۱۳۹۱: ۳۰۱).^۲

مربع گنبد پوش

برخلاف آرامگاه های برج مانند، آرامگاه مربع گنبددار و مشتقات چند گانه اش در ایران گذشته مستمر داشته، از مقبولیت عام برخوردار بوده به طوری که اقلاً از سده دهم تا ایام جدید ادامه یافته است؛ مانند وضع برج های مقبره ای منحصر به مناطق شمالی ایران نبوده است. (مقبره سامانی ها در بخارا، مقبره عرب عطا در تیم، مقبره معروف به چهار جوی، امام بابا، قیز بی بی، شیر کبیر و بالاخره مقبره معروف به احمد). شاهکار این مکتب بی شک مقبره سامانی ها به تاریخ پیش از ۹۴۳ م/۳۳۱ ه. و احتمالاً مهم ترین بنای دوران ساز در معماری اسلامی ایرانی است. این بنا ضمن آنکه به گذشته نگاه می کند به آینده نیز نظری دارد. شکل مربع گنبد پوش آن، دهانه های طاقدار رو به چهار جانب آن، فقدان تاکید بر جهتی خاص و حضور مردگردهای فوقانی آن با گنبد های گوشه ها، همگی ویژگی های مشترک آنها با نمونه های پیشین ساسانی است. خلاصه آتشکده ای است به لباس اسلامی، ولی جزئیات اسلامی کاملاً قالب را تغییر می دهد (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۸۶).^۱



شکل ۲- مقبره سامانیان، بخارا، ماخذ: (از کتاب «معماری اسلامی» تألیف روبرت هیلن براند)

با اینکه مضامین و نقشمایه های منفرد آرامگاه اسماعیل در بخارا را باید مربوط به جنبه های هنر پیش از اسلام دانست، علت کاربرد آنها در اینجا، آن هم در این زمان چندان روشن نیست. با آنکه پلان آرامگاه شبیه پلان بعضی از ساختمان هاست، دقیقا مثل پلان آتشگاه های شناخته شده نیست و به هر حال برای آرامگاه قالب نا متعارفی است. البته این پلان از آرامگاه های شهدای عهد باستان متاخر منشاء گرفته اما تبیین اینکه چگونه این قوالب مدیترانه ای به آسیای رسیده دشوار است. چون این آرامگاه از سنت آرامگاه های متاخر ایرانی مایه نگرفته است. چون این آرامگاه یک بنای درباری است، پلان و تزئین آن احتمالا از بناهای غیر مذهبی سرچشمه گرفته است (ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابر، ۱۳۹۱: ۳۰۲).^۲

یک گمان دیگر وجود دارد و آن اینکه این بنا از اشیا کوچک منقول گنبدی منشاء گرفته باشد، نظیر آن چیزی که بر روی دیوارنگاه های سغدی پنجیکنت بازنمایی شده اند و آشکارا مفهوم تدفینی دارند (ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابر، ۱۳۹۱: ۳۰۳).^۲ به نظر می رسد که چهار ضلعی گنبددار دارای پیشینه دوگانه ای است، هر چند امکان دارد که یک تحقیق دقیق همه جانبه نشان دهد که هر دو گذرگاه به یک منبع می پیوندند. یک عنصر، همان معیار آتشکده ساسانی یا چهار طاق است که چهار روزه محوری یک طرح مربع شکل را می شکافته و گنبدی بر فراز آن قرار گرفته است. پراکندگی وسیع این بناها در سراسر ایران، هنگام پیروزی اسلام، این نوع معماری را سر مشقی آشکار برای آرامگاه های اسلامی ایران که طرح های مشابه دارند، قرار داد، ولی وضع بدین سراسرستی که به نظر می رسد نبوده است، در نواحی دیگر از در دنیای اسلام که در متن آن امکان تاثیرات آیین زردتشت نبوده است آرامگاه های شبیه این سبک وجود دارد. در چنین مواردی ظاهرا تاثیر از پیشینه چهار ضلعی دیگر، یعنی آرامگاه قدیمی متاخرتر و مشتقات آن است. در اینجا تحول بنا از پیش از اسلام به بنایی اسلامی با ادامه کاربرد و بدون وقفه آن صورت گرفته است. در صورتی که فرضیه اشتقاق از چهار طاقی زردتشت متضمن تغییر ناگهانی و فوری در عملکرد آن خواهد بود. بعلاوه، آرامگاه های کهن متاخر و کلیسا ها و تعمیدگاه ها و مشاهده اوایل مسیحیت که از زمان بیزانس از آن گرفته شده، همانطور که در مورد چهار طاق بوده، به هیچ وجه فقط به پیدایش معماری محدود نبوده است. چهار ضلعی گنبد دار فقط نقطه سر آغاز یک رشته بناهای متنوع بی انتهای چند وجهی (غالباً هشت ضلعی) و چند لختی و چند تنگه ای و پره ای یا بناهای مدور بود که همگی در درونشان اندیشه بنیادی یک ساختمان متمرکز گنبد داری را دارند. بسیاری از این ابنیه در ارمنستان و سوریه، یعنی نواحی هم مرز قلمرو ساسانی بر پا گردیده بود. لذا این اندیشه که انواع بناهای آرامگاهی اولیه اسلامی ایران ذی نفوذ بوده اند، در زمینه های تاریخی و جغرافیایی یا شکل شناسی کاملا رسا و طبیعی نیست، در عین حال در این زمینه موضوع متنازع و فیه ثانوی وجود دارد. مساله بارز این است که در روش سنتی آرامگاه و مشهد حوزه غرب مدیترانه یک شکل متمرکز گنبددار به کار گرفته می شد. همان گونه که مشاهده می شود تجلی اولیه عمومی این نوع آرامگاه های اسلامی مربع شکل بوده، لیکن به موقع و در نتیجه تحول طبیعی فکر، طرح شعاعی متمرکز در سرزمین ایران به صورت طرح هشت ضلعی گنبددار برتری یافته، جلوگیری شد (هیلن براند ۱۳۹۱: ۲۸۰).^۱

نتیجه گیری

با مطالعه و بررسی صورت گرفته بر روی انواع بناهای آرامگاهی دوران اسلامی، آرامگاه ها در طول تاریخ ایران فقط به دو گونه اساسی دسته بندی می شوند.

۱. بنای آرامگاهی چهار گوش گنبددار

۲. بنای آرامگاهی برجی شکل

ضمن آنکه باید پذیرفت، یک یا دو نوع در این دسته بندی نمی گنجد. یک نمونه حضیره یا مجتمع آرامگاهی است که از جمله آنها زیارتگاه گازرگاه (مورخ حدود ۱۴۲۵/م ۸۲۹ ه) نزدیک شهر هرات است. خوشبختانه چنین استثناها را بدون اینکه به دقت شرح

حاضر خدشه وارد سازد می توان حذف کرد. . مساله مهم تر در نظر اول به فضای هشت ضلعی گنبد دار پیش می آید که البته نوعی بسیار متداول است. در هر صورت این مسئله ممکن است متناقض به نظر آید، می توان این نوع را یکی از انواع فضای چهار گوش گنبددار به حساب آورد.

پیشینه گونه آرامگاه های برجی شکل در پرده ابهام مستور است هرچند احتمالاتی: چادرهای ترکی، برج های دیده بانی چینی و مقابر برجی شکل پالمیری با دلایل متقاعد کننده ای مطرح و بررسی می شود.

برخلاف آرامگاه های برج مانند، آرامگاه مربع گنبددار و مشتقات چند گانه اش در ایران گذشته مستمر داشته، از مقبولیت عام برخوردار بوده و به نظر می رسد که چهار ضلعی گنبددار دارای پیشینه دوگانه ای است، هر چند امکان دارد که یک تحقیق دقیق همه جانبه نشان دهد که هر دو گذرگاه به یک منبع می پیوندند. یک عنصر، همان معیار آتشکده ساسانی یا چهار طاق است و گمان دیگر در مورد این گونه، متاثر از آثار متاخرتر یعنی از اشیاء کوچک منقول گنبدی منشاء گرفته شده نظیر آن چیزی که بر روی دیوارنگاره های سغدی پنچیکنت بازنمایی شده اند و آشکارا مفهوم تدفینی دارند.

مراجع

- [۱] هیلن براند، ر. معماری اسلامی (شکل، کارکرد و معنی)، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۹۱.
- [۲] اتینگهاوزن، ر. گرابر، ا. هنر و معماری اسلامی (۱)، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۱.
- [۳] آپهام پوپ، آ. معماری ایران، ترجمه زهرا قاسم علی، انتشارات سمیرا، تهران، ۱۳۸۸.
- [۴] غروی، م. آرامگاه ها در گستره فرهنگ ایرانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.
- [۵] اوکین، ب. معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶.
- [۶] نیستانی، ج. ریخت شناسی معماری آرامگاهی مازندران (از سده ۴ تا ۹ ق)، مجله پژوهشهای باستان شناسی و مطالعات میان رشته ای، شماره ۴، صفحات ۱۰۲ تا ۱۱۲، ۱۳۸۵.
- [۷] هاشمی، ز. حسن نقش و جایگاه مقابر برجی مازندران غربی در معماری اسلامی، مجله کتاب ماه هنر فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴، صفحات ۶۴ تا ۷۰، ۱۳۸۶.
- [۸] حسینی، س. معرفی سبک مقبره سازی متصوفه آذربایجان، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۴۳، ص ۵۷-۶۸، ۱۳۸۹.
- [۹] سجادی، ع. خاستگاه بناهای آرامگاهی استان خوزستان در دوران اسلامی، کنکره بین المللی امام زادگان، معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳.
- [۸] کیانی، م. معماری ایران (دوره اسلامی)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰.